



Critique of the Application of Naida's Theory in Evaluating Translations of the Qur'an

Ensiyeh Sadat Hashemi 

Assistant Professor, Department of Arabic
Language and Literature, Tehran
University, Tehran, Iran

Abstract


For almost a decade, translation theories have been used to evaluate the translation of the Qur'an. The purpose of choosing a theoretical framework for research is to achieve a scientific and non-tasteful assessment, but by examining these evaluations, it turns out that in some cases evaluations are out of the theoretical framework or have a misunderstanding of the theory. In order to examine these evaluations, the present study analyzes five studies based on Naida's theory in the field of Qur'anic criticism as a case study to examine the slips of researchers in applying this theory. The research uses a descriptive-analytical method along with critique. This research shows that critics sometimes make mistakes in understanding the formal and dynamic equivalent meaning and have found wrong examples in translations. In some cases, despite the fact that Naida's theory has been used as a basis for the assessment, the critique still moves in a different direction from this framework, which in some cases is due to the incompatibility of the theoretical framework with the research data.

Keywords: Translation Theories, Naida, Quran Translation Criticism, Translation Evaluation Model, Formal and Dynamic Equivalent.

Corresponding Author: nc.hashemi@ut.ac.ir

How to Cite: Hashemi, E. S. (2021). Critique of the Application of Naida's Theory in Evaluating Translations of the Qur'an. *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*, 11(25), 285-309. doi: 10.22054/RCTALL.2022.67806.1625

نقد و بررسی کاربست نظریه نایدا در ارزیابی ترجمه‌های قرآن

انسیه سادات هاشمی*  استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

نزدیک به یک دهه است که نظریات ترجمه به ارزیابی ترجمه‌های قرآن راه پیدا کرده‌اند. هدف از انتخاب چارچوب نظری برای پژوهش، نظام‌مند شدن نقد و بررسی است تا از نقدهای پراکنده و سلیقه‌ای اجتناب شود، اما دیده می‌شود که در مواردی ناقدان از چارچوب نظریه خارج شده‌اند و یا فهم نادرستی از نظریه داشته‌اند و مطابق آن فهم نادرست به نقد ترجمه پرداخته‌اند. پژوهش حاضر به منظور بررسی این ارزیابی‌ها با روش توصیفی-تحلیلی آمیخته با نقد، پنج پژوهش مبتنی بر نظریه نایدا را در زمینه نقد قرآن به عنوان مطالعه موردی، مورد بررسی قرار داده تا لغزشگاه‌های پژوهشگران را در کاربست این نظریه بررسی کند. این پژوهش نشان می‌دهد ناقدان گاه در فهم معنای معادل صوری و پویا دچار اشتباه شده‌اند و مصادیق آن را به اشتباه در ترجمه‌ها یافته‌اند. در مواردی نیز با وجود اینکه نظریه نایدا را مبنای نقد خود قرار داده‌اند، اما نقد همچنان در مسیری متفاوت از این چارچوب حرکت کرده که در مواردی علت این امر به عدم تناسب چارچوب نظری با داده‌های تحقیق برمی‌گردد.

کلیدواژه‌ها: نظریه‌های ترجمه، نایدا، نقد ترجمه قرآن، الگوی ارزیابی ترجمه، معادل صوری و پویا.

مقدمه

زمان زیادی از آغاز روند نقد ترجمه قرآن نمی‌گذرد، زیرا ترجمه‌های کهن غالباً تحت‌اللفظی بوده‌اند و تنها چالشی که مترجمان با آن مواجه می‌شدند، چالش معادل‌یابی واژگان بوده است. این در حالی است که نقدهای نیم قرن اخیر نشان می‌دهد که بیشتر نقدها به عدم رعایت ساختارهای نحوی دو زبان مبدأ و مقصد، دخالت عنصر تفسیر در ترجمه و عدم رعایت مقتضیات زبان فارسی برمی‌گردد که عمدتاً در ترجمه تحت‌اللفظی قابل طرح نیستند (حجت، ۱۳۷۸).

پس از اینکه ترجمه قرآن کریم از ترجمه تحت‌اللفظی فراتر رفت و ترجمه‌های زیادی از قرآن صورت گرفت، ضرورت نقد و ارزیابی این ترجمه‌ها احساس شد. اولین مقاله‌ای که مشخصاً در مطبوعات ایران به نقد یکی از ترجمه‌های قرآن کریم به زبان فارسی پرداخته، نقدی است که شهید مطهری در مجله یغما در سال ۱۳۳۷ بر ترجمه ابوالقاسم پاینده نوشته است. نقدهای مستقل بعد نیز توسط محمد فرزاد بر ترجمه ابوالقاسم پاینده در همان مجله در سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۳۸ و نقد سوم بر همین ترجمه توسط غلامرضا طاهر در سال ۱۳۴۰ چاپ شد. پس از این مقالات، تاریخچه نقد ترجمه‌های قرآن کریم با رکودی ۱۸ ساله مواجه شد؛ زیرا از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۸ که آغاز مرحله جدید نقد به‌شمار می‌رود، هیچ مقاله‌ای در مجلات و روزنامه‌های ایران در این زمینه به چاپ نرسید. سال ۱۳۷۲ با چاپ کتاب قرآن‌پژوهی توسط بهاء‌الدین خرمشاهی شاهد چند نقد جدی و جدید بود. این روند ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۳۷۵ نقد ترجمه‌های قرآن کریم با چاپ حدود ۲۳ مقاله در نقد و جواب نقد به نقطه اوج خود رسید؛ روندی که پس از آن با سیر نزولی مواجه شد (همان: ۵۲-۵۵).

تا دهه گذشته اکثر این نقدها تجربی و به شیوه سنتی بودند. این نقدها گاه صوری بودند و تمرکزشان بر ساختارهای نحوی یا نکات ویرایشی و نگارشی بوده است. بعضی از این نقدها مانند نقدهای محمد علی کوشا (۱۳۸۶) در کتاب «ترجمه‌های ممتاز قرآن در ترازوی نقد» ترتیبی و برخی مانند نقدهای مرتضی کریمی‌نیا (۱۳۸۹) در کتاب «ساخت‌های زبان فارسی و مسأله ترجمه قرآن» موضوعی بودند. گاهی نیز نقدها محتوایی بود و منتقد در سطح ژرف‌ساخت به مباحث فراواژه‌ای و فراجمله‌ای از جمله بازتاب کلامی و اعتقاد در ترجمه نظر می‌کرد (حجت، ۱۳۷۹).

تا دهه ۹۰، نقدهای ترجمه قرآن کریم به همین شکل صورت می‌گرفت. مجموعه این مقالات در هشت جلد با عنوان «مجموعه مقالات فارسی ترجمه قرآن مجید» از سوی مؤسسه ترجمان وحی (۱۳۹۴) به چاپ رسیده است.

از دهه ۹۰، نظریات ترجمه که به تدریج در مقالات نقد ترجمه‌های قرآن راه پیدا کرده، مبنای نقد قرار گرفتند. با وجود اینکه به نظر می‌رسد ورود نظریه‌های ترجمه به حوزه نقد ترجمه قرآن کمکی به علمی و چارچوب‌مند شدن این نقدها دارد، بررسی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد در موارد بسیاری این امر صورت نگرفته است؛ گاه برای نقد ترجمه‌ای، نظریه متناسبی انتخاب نشده و گاه نقد خارج از چارچوب نظریه صورت گرفته است. به نظر می‌رسد در برخی پژوهش‌ها نقد همچنان شیوه سنتی خود را طی می‌کند و نظریه تنها در حد نامی در عنوان نقد جای گرفته است. یکی از این نظریات، نظریه نایدا^۱ است که در پنج مقاله مبنای نقد ترجمه قرآن قرار گرفته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی آمیخته با نقد این مقالات را به ترتیب تاریخ نگارش مورد بررسی قرار می‌دهد تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- این پژوهش‌ها تا چه اندازه در چارچوب نظریه نایدا به نقد ترجمه قرآن پرداخته‌اند؟
- کاربرد نظریه نایدا چه تأثیری در کیفیت و نتیجه‌بخشی این پژوهش‌ها داشته است؟
- پژوهشگران در چه مواردی دچار برداشت نادرست از اصطلاحات نظریه نایدا شده‌اند؟

۱. پیشینه پژوهش

همان‌طور که گفته شد نزدیک به یک دهه است که نظریه‌های ترجمه به نقد ترجمه‌های قرآن راه یافته‌اند. نظریه نایدا در پنج پژوهش مبنای نقد ترجمه قرآن قرار گرفته است که این پژوهش‌ها در مقاله حاضر مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و به همین دلیل از بیان آن‌ها در پیشینه خودداری می‌شود. این پژوهش برخلاف پژوهش‌های گذشته که به نقد ترجمه براساس نظریه‌ها می‌پرداختند، درصدد است اصل این مسأله را مورد بررسی قرار دهد که آیا این نقدها در چارچوب نظریه به درستی انجام گرفته‌اند یا خیر. طبق جست‌وجوهای صورت گرفته تاکنون کسی به نقد این پژوهش‌ها نپرداخته است.

1 Nida, E.

۲. مبانی نظری پژوهش

یوجین نایدا^۱ (۱۹۱۴-۲۰۱۱) فارغ‌التحصیل دانشگاه میشیگان در سال ۱۹۴۳ به کارکنان انجمن انجیل آمریکا ملحق شد و در سال ۱۹۴۹ مجله مترجم انجیل را دایر کرد. وی در سفرهای خود به آفریقا و آمریکای لاتین به کمک مترجمان مبلغ پرداخت (ویلیامز^۲، ۱۳۹۶). نایدا که به ترجمه و نظم بخشیدن به ترجمه‌های کتاب مقدس می‌پرداخت با استفاده از دستور زایشی-گشتاری چامسکی^۳ تلاش کرد ترجمه را علمی کند. نایدا به ترجمه کلمه به کلمه پایان داد و با مطرح کردن اصطلاح معادل پویا گفت که واژه، معنا را از طریق بافت کسب می‌کند و می‌تواند براساس فرهنگ پاسخ‌های متفاوتی تولید کند. او ترجمه را این‌طور تعریف می‌کند: «ترجمه عبارت است از بازتولید نزدیک‌ترین معادل طبیعی پیام زبان مبدأ در زبان گیرنده، اولاً از نظر معنا و ثانیاً از نظر سبک» (Nida, 1969). او همچنین تأکید می‌کند که ترجمه باید درجه بالایی از هم‌ارزی در واکنش را داشته باشد و گرنه به هدف خود نرسیده است (همان: ۲۴).

نایدا معنا را به سه دسته زبان‌شناختی، ارجاعی و ضمنی تقسیم کرد و برای تعیین هر یک از آن‌ها تکنیک‌های تحلیلی ارائه داد (Nida, 1964). او برای تحلیل ترجمه، الگوی چامسکی را برعکس کرد و گفت می‌توان از روستاخت متن مبدأ به هسته کلام رسید که بین تمام زبان‌ها مشترک است. در مرحله بعد نایدا معادل را به صورتی و پویا تقسیم می‌کند و از معادل پویا که مبتنی بر اصل تأثیر یکسان است، حمایت کرده و می‌گوید باید ارتباط بین دریافت‌کننده و پیام متن مبدأ با ارتباط بین دریافت‌کننده و پیام متن مقصد مساوی باشد. در دیدگاه نایدا، هدف از ترجمه، طبیعی بودن و کاهش بیگانگی و ایجاد واکنش مشابه است (ماندی، ۱۳۸۹). این واکنش به طور محسوس وابسته به بافتار فرهنگی است که خواننده در آن پرورش یافته است. به عبارت دیگر، خواننده معنای متن را براساس تجربیات خود از محیط فرازبانی درک می‌کند و به آن‌ها واکنش نشان می‌دهد.

نایدا اصطلاح «هم‌ارز بودن» را در مقابل «یکسان بودن» مطرح کرد و معتقد است که در ترجمه، هم‌ارز بودن متن اصلی و متن ترجمه شده به مراتب مهم‌تر از یکسان بودن آن‌هاست.

1. Nida, E.

2. Williams, J.

3. Chomsky, N.

در سال ۱۹۶۹ نایدا با همکاری تیبیر^۱ مدلی سه مرحله‌ای با عناوین «تحلیل»، «انتقال» و «بازسازی» ارائه کرد (حقانی، ۱۳۹۸).

با توجه به آنچه گفته شد، روشن می‌شود که نظریه نایدا در دو بخش، قابل کاربست در نقد ترجمه است؛ یکی بررسی ترجمه از دیدگاه تعادل پویا و صوری و دیگری مطالعه براساس مدل سه مرحله‌ای تحلیلی، انتقال و بازسازی. با توجه به اینکه نایدا در ترجمه کتاب مقدس از تعادل پویا دفاع می‌کند و بر انتقال پیام و ایجاد تأثیر مشابه تأکید دارد، کاربست این بخش در نقد ترجمه قرآن می‌تواند به این شکل باشد که ترجمه از نظر موفقیت در انتقال پیام و ایجاد واکنش مشابه در مخاطب فارسی‌زبان بررسی شود. این نقد در سطح پیام صورت می‌گیرد و برای نقد ترجمه‌های مخاطب‌محور و محتوایی مناسب است؛ زیرا در نقد باید بین الگوی نقد و روش ترجمه اتحاد رویکرد وجود داشته باشد.

در مدل نایدا و تیبیر ترجمه در سه مرحله مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ ابتدا متن مبدأ و سپس متن مقصد مورد تحلیل ساختاری قرار می‌گیرد، آنگاه این دو با یکدیگر مقایسه می‌شوند تا میزان موفقیت مترجم در مرحله انتقال و بازسازی روشن شود. این نقد که در سطح ساختار و با توجه به مدل چامسکی صورت می‌گیرد، قابل اعمال در ترجمه‌های صوری و پویا است و میزان حفظ تعادل در ساخت و ژرف ساخت در ترجمه مورد بررسی قرار می‌گیرد. حال باید دید که در کاربست نظریه نایدا در مقالاتی که تاکنون در نقد ترجمه قرآن صورت گرفته‌اند، چه میزان این هماهنگی رعایت شده است و نقدها تا چه اندازه در این مسیر پیش رفته‌اند.

۳. بررسی کاربست نظریه نایدا در ارزیابی ترجمه قرآن

به منظور بررسی میزان کارآمدی نظریه نایدا در نقد ترجمه قرآن و تأثیر به کارگیری این نظریه در کیفیت و نتیجه‌بخشی پژوهش، پنج پژوهش را مورد بررسی قرار می‌دهیم. مطالعه این پنج پژوهش نشان می‌دهد که بجز پژوهش اول که به نقد کاربرد نظریه نایدا در ترجمه قرآن می‌پردازد، سایر پژوهش‌ها در استفاده از این نظریه دچار اشکالات اساسی شده‌اند. در این بخش این اشکالات مورد بررسی قرار می‌گیرند.

1. Taber, C.

پژوهش اول، تنها پژوهشی است که با درک درستی از نظریه نایدا به نقد کاربرد آن پرداخته، مقاله‌ای تحت عنوان «نقدی بر معروف‌ترین روش‌های ترجمه قرآن کریم (براساس جدیدترین تئوری‌های ترجمه و زبان‌شناسی)» است. این مقاله به معرفی روش ترجمه پویا، صوری و به موازات آن‌ها تفسیری و لفظی پرداخته و مزایا و معایب هر یک از آن‌ها بیان کرده و در نهایت به این نتیجه رسیده که شیوه‌های مختلف ترجمه در صورتی مفید خواهند بود که همدیگر را تکمیل کنند و در پی هم به کار گرفته شوند. بخشی که در این پژوهش مرتبط با نایدا انجام شده به نقد کاربرد معادل پویا در ترجمه قرآن پرداخته است. مثال‌ها و نقدهای این پژوهش نشان می‌دهد نویسندگان به خوبی منظور نایدا را از معادل پویا دریافت کرده‌اند و بر آن اساس، کاربرد آن را در ترجمه قرآن مورد نقد قرار داده‌اند. در این پژوهش با اشاره به اینکه شیوه ترجمه پویا، اجازه هرگونه دخل و تصرف در متن اصلی را به مترجم می‌دهد، آن را برای اینکه به تنهایی در ترجمه قرآن اجرا شود، مناسب نمی‌دانند؛ زیرا قرآن تنها کتاب آسمانی است که از تحریف دور مانده است و این روش باعث می‌شود بسیاری از اصطلاحات ویژه قرآنی مانند «صوم» و «صلاة» با معادلی دیگر بیان شده و تحریف شوند. نویسندگان پژوهش مدنظر، نظر نایدا را مبنی بر اینکه معادل‌یابی صوری قادر به انتقال و توصیف مفاهیم فرهنگی نیست، رد می‌کنند و می‌گویند نایدا معتقد است که خوانندگان زبان مقصد توانایی درک مفاهیم فرهنگی دیگر ملت‌ها را ندارند و این فرض درست نیست. سپس به نقد نیومارک^۱ اشاره می‌کنند که معتقد است در دنیای کنونی، تلویزیون این مشکل را حل کرده و نایدا فراموش کرده است که ارتباط ملل مختلف با یکدیگر سبب درک و ملاحظه مفاهیم و اختلافات فرهنگی خواهد شد (صیادانی و بازیار، ۱۳۹۴). آن‌ها سپس ترجمه تفسیری را به عنوان جایگزین مناسب و راه‌حل ایده‌آل برای شرح و بیان اختلافات فرهنگی و زبانی قرآن و ترجمه‌هایش معرفی کرده، می‌گویند اگر حد و مرز ترجمه پویا را مشخص کنیم و ضابطه و قانون معینی برایش قائل شویم، می‌توانیم آن را یکی از زیرمجموعه‌ها و از انواع ترجمه تفسیری به‌شمار آوریم (همان: ۱۴-۱۵).

در واقع در این پژوهش، ترجمه خاصی براساس رویکرد نایدا نقد نشده، بلکه کارایی روش ترجمه پویای نایدا در ترجمه قرآن در کنار سایر روش‌ها مورد بررسی قرار گرفته و به درستی نقد شده است.

1. Newmark, P.

سایر پژوهش‌ها دچار اشکالاتی هستند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۱. عدم ارتباط نقد با نظریه نایدا

اولین پژوهشی که از الگوی نایدا برای نقد ترجمه قرآن استفاده کرده، پژوهشی با عنوان «بررسی چند ترجمه سوره ناس به زبان آلمانی براساس نظریه یوجین نایدا» (۱۳۹۵) است. در این پژوهش تئوری نایدا مبنا قرار گرفته، اما جدایی نقد از این چارچوب کاملاً مشخص است. در معرفی تئوری نایدا در این مقاله به سه عامل «ذات پیام»، «هدف مؤلف و مترجم» و «نوع مخاطب» اشاره شده، اما اثری از این سه عامل در نقد ترجمه آیات دیده نمی‌شود. به عنوان مثال، پس از نقل ترجمه روکرت^۱ از سوره ناس، نکات زیر در نقد ترجمه بیان شده که هیچ‌یک ارتباطی به نظریه نایدا ندارد:

- «آنچه در ترجمه روکرت بیش از سایر ترجمه‌های قرآن مجید به چشم می‌خورد، وفاداری وی به شکل و ساختار منظوم قرآن است» (فیروزآبادی و ابراهیمی، ۱۳۹۵).

وفاداری به شکل و ساختار در معادل‌سازی نایدا مطرح است که در اینجا به آن اشاره‌ای نشده است. سپس نویسنده نقاط قوت این ترجمه را ذکر می‌کند:

- «روکرت در این ترجمه تلاش کرد برای اولین بار سبک قرآن و زیبایی کلام آن را به آلمانی‌زبانان نشان دهد» (همان: ۴۴).

آنچه نایدا در ترجمه انجیل بر آن تأکید داشت، انتقال پیام متناسب با فرهنگ مخاطب بود. از نظر نایدا آنچه در فرآیند ترجمه از اهمیت بیشتری برخوردار است، نحوه انتقال پیام است؛ به طوری که تأثیری یکسان در مخاطب زبان مقصد ایجاد کند (نایدا، ۱۹۶۹). بنابراین، انتقال سبک قرآن و زیبایی کلام آن در ترجمه چیزی نیست که در نظریه نایدا در اولویت باشد، مگر اینکه این انتقال باعث تأثیر مشابه شود. سایر نکاتی که به عنوان نقاط قوت ترجمه بیان شده نیز ارتباطی به نظریه نایدا ندارد. از جمله اشاره به نوع آشنایی روکرت با قرآن و ترجمه‌های دیگر قرآن در مقدمه، برتری ترجمه او بر سایر ترجمه‌های آلمانی، شماره‌گذاری آیات، آسان‌تر بودن این ترجمه نسبت به ترجمه‌های پیشین (فیروزآبادی و ابراهیمی، ۱۳۹۵). این نکات همان نکاتی است که در نقدهای سنتی به صورت کلی بیان می‌شد و نظریه نایدا کمکی به چارچوب‌مند شدن آن نکرده است.

1. Rückert, F.

یکی از نقاط قوت این ترجمه، توضیحات مترجم در مقدمه، توصیف اسامی قرآنی در پیوست و توضیح برخی آیات و کلمات در پاورقی (همان: ۴۴) بیان شده است. در حالی که نایدا در رابطه با این گونه اضافات در ترجمه کتاب مقدس می‌گوید: «اکثر خوانندگان کتاب مقدس از مشخصه‌های تکمیلی مانند مقدمه‌ای که گویای شالوده‌متنی ترجمه و نیز اصول و روال کار آماده‌سازی متن باشد، استقبال می‌کنند. آنان همچنین مایلند در ترجمه متن، واژه‌نامه لغات نامتعارف و نمایه و نقشه‌های مربوط وجود داشته باشند، اما اغلب با پانوشت‌ها و پیشگفتار به شدت مخالفند. این قبیل اضافات در متن به نظر می‌رسد خودکفایی آن را از بین می‌برد و حاکی از آن است که انگار روح‌القدس اصلاً نمی‌دانسته چه کسانی باید متن را دریافت کنند». نایدا تنها پانوشت را زمانی ضروری می‌داند که به دلیل تفاوت فرهنگی و آداب و سنن و اصطلاحات متفاوت نیاز به توضیح واژگان فرهنگی باشد (بیکر و سالدنیا، ۱۳۹۶).

بی‌ارتباطی نقد با نظریه نایدا در بیان نقاط ضعف این ترجمه نیز دیده می‌شود. از جمله اینکه «بسم الله الرحمن الرحيم» در شماره‌گذاری آیات جزو سوره به حساب نیامده و نویسنده به حفظ نام سوره‌های قرآن مقید نبوده و گاهی نام آن‌ها را از محتوای سوره گرفته است (همان: ۴۵). این نقد، براساس اعتقاد مسلمانان به ترجمه قرآن است، نه براساس نگاه نایدا به ترجمه کتاب مقدس که پیام را در اولویت قرار می‌دهد. اتفاقاً طبق نظر نایدا چنین کاری در تعادل پویا مانعی ندارد و نمی‌تواند نقطه ضعف تلقی شود. از نظر نایدا، وظیفه اصلی مترجم برقراری ارتباط با خواننده است (Nida & Taber, 1969).

یکی دیگر از نقدهایی که به این ترجمه وارد شده این است که در کنار ترجمه آلمانی متن عربی قرآن نوشته نشده است (فیروزآبادی و ابراهیمی، ۱۳۹۵). این مطلب نیز از شروطی است که مسلمانان برای ترجمه قرآن بیان کرده‌اند، اما در ترجمه انجیل که مبنای کار نایدا بوده است، چنین شرطی مدنظر نیست. آیت‌الله معرفت می‌نویسد: «لازم است متن ترجمه شده قرآن، کنار متن عربی قرار بگیرد تا مراجعه‌کننده در صورت مواجه شدن با اشکال، بدان مراجعه کند و این توهم پیش نیاید که ترجمه می‌تواند جای قرآن را بگیرد» (معرفت، ۱۳۸۱). رضائی می‌افزاید که امروزه در ترجمه متون مقدس دینی در سطح دنیا از روش نشر ترجمه بدون متن، زیاد استفاده می‌شود (رضائی اصفهانی، ۱۳۹۱).

همانطور که می‌بینیم هیچ‌یک از این نقاط قوت و ضعف ارتباطی با نظریه نایدا ندارد و در آن چارچوب قرار نمی‌گیرد. استفاده از نظریه برای چارچوب بخشیدن به پژوهش است؛ در حالی که این پژوهش در چارچوب نظریه قرار نگرفته و همانند نقدهای سنتی، ترجمه را از تمام ابعاد بررسی کرده است. نویسنده سپس در یک پاراگراف به توضیح ترجمه پویا اشاره کرده، اما موفق نشده ارتباطی بین آن با نقد خود ایجاد کند: «ترجمه قرآن فریدریش روکرت به ترجمه‌ای پویا نزدیک است، اما آنگونه که باید پیام قرآن، این کتاب آسمانی را به خوانندگان آلمانی زبان نمی‌رساند. در ترجمه پویا، مترجم می‌تواند بخش‌هایی از متن را حذف کند، مطلبی را اضافه کند و یا حتی صورت آن را تغییر دهد، اما این کار نباید به خدشه‌دار شدن پیام متن منجر شود، [چراکه] در این صورت حتی اگر متن ترجمه شده با زبان و فرهنگ جامعه مقصد نیز انطباق داشته باشد از نظر کارکرد و تأثیر بر مخاطب، معادل متن مبدأ نخواهد بود» (فیروزآبادی و ابراهیمی، ۱۳۹۵). نویسنده به این نکته اشاره کرده، اما داده‌های پژوهش را مبتنی بر این امر تبیین نکرده است. اگر نویسنده می‌خواست در چارچوب نظریه نایدا کار کند باید مواردی را که مترجم مطابق فرهنگ آلمان در ترجمه تغییر ایجاد کرده، مشخص می‌کرد؛ زیرا تأکید نایدا در ترجمه کتاب مقدس قابل فهم کردن عناصر فرهنگی برای مخاطب است. سایر نقدهای این پژوهش نیز به همین شکل و بدون چارچوب صورت گرفته است.

در نتیجه بحث نیز نشانی از نظریه نایدا دیده نمی‌شود: «در بررسی ترجمه‌های قرآن درمی‌یابیم که به دلیل وجود تفاوت‌های اساسی که میان زبان و فرهنگ زبان مبدأ و مقصد وجود دارد، دستیابی به متنی که هم به لحاظ سبک و بلاغت و هم به لحاظ محتوا و معنی به زبان عربی نزدیک باشد، کار آسانی نیست» (همان: ۵۲). در نظریه نایدا، قرار نیست چنین اتفاقی بیفتد و از همین روست که نایدا تعادل را به دو دسته صوری و پویا تقسیم می‌کند و در ترجمه کتاب مقدس از تعادل پویا دفاع می‌کند. نویسنده سپس در نتیجه‌گیری به تجویز روی می‌آورد و به نکاتی درباره ترجمه می‌پردازد که تطابق مبنایی با نظریه نایدا ندارد. به عنوان مثال، تأکید می‌کند که مترجم خوب باید عناصر اصلی زبان مبدأ را شناسایی و ارزیابی کند و آن‌ها را تا حد امکان به زبان مقصد برگرداند. مترجم باید بتواند بین دنیای زبان مبدأ و زبان خویش و زبان مقصد تفاوت قائل شود و همزمان بین آن‌ها ارتباط ایجاد کند (همان)

این در حالی است که مدل سه مرحله‌ای نایدا و تیر (۱۹۶۹) همین مطلب را به شکلی دقیق‌تر بیان می‌کند، اما هیچ اشاره‌ای به آن نشده است.

به نظر می‌رسد این پژوهش کاملاً مستقل از نظریه نایدا صورت گرفته و نقدها بدون چارچوب خاصی و به صورت تطبیقی انجام شده و با حذف نظریه نایدا از پژوهش هیچ چیز از آن کاسته نمی‌شود.

در پژوهشی دیگر با عنوان «تطبیق ترجمه فولادوند و امید مجد با تکیه بر نظریه نایدا در سوره بقره» (۱۳۹۸) نقد ترجمه‌ها در تقسیمی صورت گرفته که حاصل دسته‌بندی خود نویسنده است و ارتباطی با نظریه نایدا ندارد. این دسته‌بندی به این شکل است: حفظ ساختار نحوی زبان مبدأ، معنای صحیح واژگان، حفظ ساختار معنایی عبارات و جملات، تلاش در به کار بردن واژگان مانوس زبان مبدأ، زیبا جلوه دادن ترجمه برای تأثیر بیشتر بر مخاطب، قابل فهم کردن ترجمه و تأثیر دادن شرایط زمان و مکان در ترجمه (خانلری و دیگران، ۱۳۹۸).

مؤلفه «حفظ ساختار نحوی زبان مبدأ» از ویژگی‌های تعادل صوری است. چهار مؤلفه بعد، ارتباطی با نظریه نایدا ندارند. مؤلفه «قابل فهم کردن ترجمه و تأثیر دادن شرایط زمان و مکان در ترجمه» از ویژگی‌های تعادل پویاست که در این مقاله خارج از چارچوب نظریه نایدا و طبق دسته‌بندی سلیقه‌ای نویسنده بیان شده‌اند. در واقع نویسندگان صرف نظر از نظریه نایدا به تطبیق این دو ترجمه پرداخته و در نهایت تلاش کرده‌اند ارتباطی بین این دو ترجمه و دو نوع ترجمه مطرح شده توسط نایدا ایجاد کنند که این ارتباط نیز به دلیل فهم نادرست تعادل صوری و پویا به شکل نادرستی تبیین شده است. مثال‌های این مورد در قسمت مربوط خواهد آمد.

۳-۲. اشتباه در انتخاب چارچوب نظری

پژوهش دیگری جنبه‌های بلاغت حال مؤکد معنای عامل را در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم با کاربست تئوری هم‌ارزی نایدا بررسی کرده است (حیدری و سلیمانزاده نجفی، ۱۳۹۹). در این مقاله ترجمه حال مؤکد به خوبی و با دقت بررسی شده، اما تطبیق آن با نظریه هم‌ارزی نایدا روشن نیست. این پژوهش به سؤال سوم (انطباق‌پذیری این ترجمه‌ها با تئوری هم‌ارزی نایدا به چه میزان است؟) پاسخی نداده است. نویسندگان در مبانی نظری پژوهش، هم‌ارزی صوری و پویای نایدا را تعریف کرده و ضوابط حاکم بر آن را بیان کرده‌اند، اما این مبانی در تحلیل داده‌ها نقش به‌سزایی ندارند. علت این ابهام در چارچوب نظری پژوهش

را می‌توان در انتخاب این چارچوب جست. آیا تئوری هم‌ارزی نایدا چارچوب مناسبی برای بررسی ترجمه‌های مؤکد است؟ آیا تأکید تئوری هم‌ارزی نایدا بر چنین ساختارهایی است؟ برای پاسخ به این سؤال، مقایسه‌ای بین این دو موضوع صورت می‌دهیم. در مبنای نظری این پژوهش سه مبحث «معناشناسی بلاغی تأکید»، «معناشناسی حال مؤکد» و «تئوری هم‌ارزی نایدا» بررسی شده‌اند و سپس با تقسیم نقد ترجمه به سه سطح واژگانی، نحوی و معناشناختی، این نتیجه حاصل شده که ترجمه‌های مؤکد به حوزه نحوی و از نظر بلاغی به بُعد معناشناختی ارتباط پیدا می‌کند. سپس به ضوابط حاکم بر هم‌ارزی صوری و پویا اشاره شده است (همان: ۳۰-۳۱)، اما این ضوابط در ارزیابی ترجمه‌ها نقشی ندارند. به عنوان مثال، در نقد تطبیقی ترجمه آیه ﴿وَإِنَّا لَمَوْفُوهُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ﴾^۱ پس از بیان ترجمه‌ها، ابتدا بُعد بلاغی و معنایی حال مؤکد را با استفاده از منابع لغوی، بلاغی و تفسیری بررسی کرده، سپس به چالش ترجمه این دلالت پرداخته و گفته‌اند: «نخستین چیزی که مترجم در ترجمه این آیه بدان برمی‌خورد، فقدان واژگانی است که مطابق با عامل حال باشد. در این آیه، اگر فعل به فارسی ترجمه شود برای تکمیل معنا نیازمند قیدی اضافی است و اگر این قید همراه فعل بیان نشود، عبارت «غیرمنقوص» حال مؤکد عامل نخواهد بود؛ چراکه معنایش در عامل نیامده است». تا اینجا بحث ساختاری و خارج از چارچوب نظریه نایدا است. سپس در بررسی ترجمه مترجمان می‌بینیم که انتقال لفظی حال مؤکد در ترجمه، نشانگر تعادل پویا در نظر گرفته شده است: «فولادوند الگوی معنایی «تمام... خواهیم داد» را برای برگردان عامل «موفون» و واژه «ناکاسته» را بر نهاد حال (غیر منقوص) قرار داده است. در ترجمه خرمشاهی نیز تکرار پی‌درپی دو عبارت تأکیدی «به تمام و کمال» و «بدون کم و کاست» نوعی اطناب را برای مدلول تأکیدی خواسته شده در آیه به دنبال دارد که با انتقال مطلوب پیام تأکیدمحور خواسته شده، هم‌ارزی پویا نیز به شکل قابل قبولی لحاظ شده است؛ زیرا «وفی» بیانگر «به تمام و کمال دادن» است (Raghib Isfahani, 2009)، نه مدلولی برای صرف معنای دادن. بنابراین، مترجم امانت‌داری و دقت نظر خود را با اشراف بر قواعد زبان مقصد و ترجمه روان و قابل فهم برای خواننده نشان داده است» (همان: ۳۴).

۱. سوره هود، آیه ۱۰۹

همان‌طور که می‌بینیم، این نقد و بررسی از نظر نحوی و بلاغی دقیق است، اما ارتباط آن با نظریه‌نایدا روشن نیست، جز آنجا که در بررسی ترجمه‌خرمشاهی اشاره‌ای به هم‌ارزی پویا شده است. این جمله نشان می‌دهد که از نظر نویسندگان هم‌ارزی پویا در ترجمه، حال مؤکد ترجمه‌مقبول است. با چنین فرضی باید ضوابط حاکم بر این هم‌ارزی در ترجمه بررسی شود. پیشتر در مبانی نظری پژوهش این ضوابط بیان شدند: «انطباق حداکثری ترجمه با زبان و فرهنگ دریافت‌کننده و سازگاری ترجمه با بافت پیام از نظر سبک و ترکیب‌بندی عناصر تشکیل‌دهنده» (همان: ۳۱). در حالی که در این نقد بر انتقال تأکید است و اشاره‌ای به زبان و فرهنگ مخاطب و سبک و بافت پیام نشده است، نکته‌ای که نایدا بر آن در تعادل پویا تأکید دارد «اصل تأثیر معادل» و «طبیعی بودن برای خواننده» است (ماندی، ۱۳۸۹). در حالی که نقد نویسندگان در این مقاله اشاره‌ای به میزان تأثیر ترجمه ندارد، بلکه بر ساختار و تساوی واژگانی متمرکز است و اتفاقاً اصرار دارد که مترجمان حال مؤکد را که از ویژگی‌های خاص زبان مبدأ است در ترجمه به زبان مقصد که چنین ساختاری در آن وجود ندارد، منتقل کنند. در واقع نویسندگان، هم‌ارزی پویای نایدا را حمل بر معنای مدنظر خود کرده‌اند در حالی که میان آن‌ها تفاوت بسیاری است.

مواردی که به هم‌ارزی پویای نایدا اشاره شده، نشان می‌دهد که از نظر نویسندگان، افزودن واژگان دال بر حال مؤکده و اضافه تفسیری باعث رعایت هم‌ارزی پویا می‌شود. مانند:

– ترجمه فولادوند در راستای ارسال و انتقال پیام و هم‌ارزی پویا گیراتر و پویاتر عمل کرده است. فولادوند با آوردن عبارت «در حالی که پشت کرده بودید» و همین‌طور اضافه تفسیری (به دشمن)، هم‌امانت‌داری و صحت را در ترجمه‌حال «مدبرین» لحاظ کرده و هم‌عامل حال «ولیتم» را به درستی آورده است تا انتقال پیام به مطلوب‌ترین شکل خود صورت پذیرد (همان: ۳۷).

– فولادوند دو واژه «از روی دشمنی» و «به نادانی» را با اضافه تفسیری واو در گروه به هم عطف کرده است. این اسلوب از میان دیگر شیوه‌های بازگردان شده به بهترین صورت، معنای تأکیدی بافت زبان مقصد را افاده می‌کند. این ترجمه ضمن رعایت هم‌ارزی پویا در ارائه و انتقال پیام، وجه بلاغی تعدد حال را نیز به بهترین شکل بازگردان کرده است (همان: ۳۹).

در حالی که این افزایش‌ها بیشتر به یکسانی اشاره دارد تا هم‌ارزی؛ در تأیید این مطلب آمده است: «یکی از نقدهای اساسی که در واکاوی آسیب‌شناسانه ترجمه‌های پارسی قرآن در حوزه دلالت‌های معنایی حال مؤکد قابل طرح است، ترجمه نشدن ساختارهای نحوی و

الگوهای زبانی مشابه یا ترجمه شدن آن‌ها به گونه‌های ناهمسان و چه بسا نامتعارف آن‌ها در بازگردانندگان به زبان پارسی است» (همان: ۴۳). این در حالی است که در نظریه نایدا بر تفاوت یکسانی و هم‌ارزی تأکید شده است. یکسان بودن به معنای وجود تعادل یک به یک بین واحدهای ترجمه اعم از واژه، جمله و یا پاراگراف و متن است، حال آنکه هم‌ارز بودن از حوزه زبان فراتر می‌رود و تعادل را بین ویژگی‌های فرازبانی در ترجمه؛ یعنی موقعیت و بافتار متن مبدأ و متن مقصد و نیز تأثیر آن بر مخاطبان دو جامعه زبانی متفاوت برقرار می‌کند که طبعاً مستلزم تعادل یک به یک بین واحدهای متن اصلی و ترجمه آن نیست (حقانی، ۱۳۹۸). آنچه در این پژوهش خودنمایی می‌کند، عدم ارتباط چارچوب با داده‌های پژوهش است. علت این ناهماهنگی در نقد و نظریه این است که نویسندگان، ترجمه حال مؤکد را به خوبی و با دقت و مستدل بررسی کرده‌اند، اما چارچوب مناسبی برای نقد آن انتخاب نکرده‌اند. برای نقد چنین ساختاری بهتر بود از نظریه‌هایی استفاده می‌شد که بر ساختارهای بلاغی تأکید دارند. نظریه نایدا بر بافت و فرهنگ مخاطب تأکید دارد و این چیزی نیست که بتوان آن را با حال مؤکد تطبیق داد.

۳-۳. تطبیق و مقایسه ناکارآمد

در مقاله «پیوند ویرایش با سه عنصر ترجمه در نظریه نایدا (مورد پژوهشی در ترجمه قرآن کریم)» تلاش شده بین سه عنصر افزایش، حذف و تغییر در نظریه نایدا و سه نوع ویرایش ساختاری، محتوایی و فنی تطبیق صورت بگیرد. در این مقاله آمده: «نظریه نایدا در زمینه ترجمه و به نوعی مربوط به بحث زبان‌شناسی است، اما با این حال در موارد بسیاری مترجم در محتوا نیز دخل و تصرف می‌کند، در حالی که ویراستاری هم مربوط به بحث زبان است و هم در پیوند با بحث محتواست». نویسندگان در نتیجه این مقایسه می‌گویند که مقوله «افزایش ترجمه‌ای» بیشتر در «ویرایش فنی و محتوایی»، «حذف ترجمه‌ای» بیشتر در «ویرایش محتوایی و ساختاری» و «تغییر ترجمه‌ای» بیشتر در «ویرایش ساختاری و فنی» مشاهده می‌شود (مستعلی پارسا و دیگران، ۱۳۹۶). این در حالی است که ارتباطی بین این سه عنصر با سه نوع ویرایش بیان شده وجود ندارد. نایدا در تعادل پویا به این تغییرات اشاره می‌کند که می‌تواند به نفع پیام صورت بگیرد. به عقیده نایدا یک ترجمه خوب باید در زبان جدید به یک نقشه جدید تبدیل شود و بدین منظور باید در معرض یکسری تغییرات قرار بگیرد. این تغییرات علاوه بر کاهش و افزایش، شامل تغییرات دیگری نیز می‌شوند که می‌توان آن‌ها را در طبقات

«دلالت معنایی صداها، دسته‌بندی‌ها، تقسیم‌بندی واژگان، ترتیب عناصر، عبارات و ساختار جملات، مشکلات معنایی مربوط به تک واژگان و عبارات برون محوری» بیان کرد (Nida, 1964). در این پژوهش، کاهش، افزایش و تغییر به صورت کلی بیان شده و به این دسته‌بندی هیچ اشاره‌ای نشده است. همچنین تقسیم ویرایش به ساختاری، محتوایی و فنی تقسیمی براساس سطح است که با سایر نظریات ترجمه تناسب بیشتری دارد. به عنوان مثال گارسس^۱ در الگوی خود به سه سطح واژگانی، ساختاری، گفتمانی و سبکی اشاره می‌کند (Garcés, 1994) که می‌توان عناصر این سطوح را با این سه سطح ویرایش مورد بررسی تطبیقی قرار داد.

این تفاوت مبنایی در دو طرف مقایسه -هم در بررسی داده‌ها و هم در نتیجه‌گیری- خود را نشان می‌دهد. به عنوان مثال، در مقایسه کاهش ترجمه‌ای و ویرایشی در این مقاله آمده: «در ویرایش ترجمه‌های قرآن می‌توان حرف ندا را حذف کرد یا منادا را مختصر کرد و حشو ترجمه‌ها را نیز کاهش داد. در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾:^۲ «ای افرادی که ایمان آورده‌اید» می‌توان به جای «ای افرادی که ایمان آورده‌اید!» از «ای مؤمنان! / گروندگان» استفاده کرد. به علاوه در ندا می‌توان حرف ندا را نیز حذف کرد» (مستعلی‌پارسا و دیگران، ۱۳۹۶).

کاهش‌ی که در تعادل پویای نایدا مطرح است در خدمت پیام است. نایدا معتقد است در تعادل پویا می‌توان صورت را به نفع پیام تغییر داد (حقانی، ۱۳۹۸). در حالی که این کاهش‌ها ارتباطی به پیام ندارد و تنها برای ایجاز لفظ صورت می‌گیرد. در مثال حشو آمده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا﴾:^۳ «ای افراد با ایمان! هنگامی که از پیغمبر تقاضای مهلت برای درک آیات قرآن می‌کنید) نگویید...». در این متن به جای جمله زیر خط‌دار می‌توان گفت: «هنگام تقاضای مهلت از پیغمبر برای درک آیات قرآن» (همان: ۱۶). در این مثال نیز کاهش، صرفاً ایجازی در حد صورت است، نه به نفع انتقال پیام. علاوه بر این، در این نمونه‌ها پیوند کاهش ترجمه با کاهش ویرایش مشخص نیست و نظریه نایدا نیز جایگاه خود را نشان نمی‌دهد.

1. Garcés, C.

۲ سوره بقره، آیه ۱۵۳

۳ سوره بقره، آیه ۱۰۴

قسمت سوم مورد بررسی در این مقاله، تغییر و جایگزینی است. در اینجا به نظر نایدا اشاره شده که می‌گوید پیام یا متن مبدأ، پیش از برگردانده شدن و انتقال از لحاظ معنای کلمات و ترکیبات و نیز روابط دستوری در محور همنشینی تحلیل می‌شود. بنابراین دست مترجم در تغییر و جایگزینی متن اصلی باز است که این موارد بسیار اندکند. سپس برای مثال به تغییر ساختاری اشاره می‌کند: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾^۱: از شکیبایی و نماز یاری جوئید. و به راستی این (کار) گران است، مگر بر فروتنان. سپس ترجمه فولادوند را این گونه ویرایش می‌کند: «از شکیبایی و نماز یاری جوئید و به راستی این (کار) مگر بر فروتنان گران است».

در مثال دیگری برای تغییر و جایگزینی جمله به مفرد: ﴿فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُندَاداً وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۲: پس برای خدا همتایانی قرار ندهید، در حالی که خود می‌دانید آورده‌اند: جمله حالیه پایان آیه را می‌توان به حال مفرد ویرایش کرد: «پس برای خداوند، دانسته همتایانی نیاورید». در این دو مثال، تنها شاهد ویراستاری ترجمه مطابق دستور زبان مقصد هستیم که در سطح ساختار صورت گرفته و اهمیت پیام، بافت و فرهنگ مقصد -آنطور که نایدا بر آن تأکید دارد- در این تغییرات دیده نمی‌شود.

نویسندگان پس از بررسی مثال‌هایی که عدم ارتباط آن‌ها با نظریه نایدا در بخش قبل روشن شد در نتیجه‌گیری نکاتی بیان می‌کنند که بی‌حاصلی این مقایسه را نشان می‌دهد. به عنوان مثال، در نتیجه آمده است: «لازم است مترجم در حین ترجمه به هنر و علم ویرایش نیز مسلط باشد و در غیر این صورت که امروزه بیشتر دیده می‌شود، بازنگری و ویرایشی در متن ترجمه و به تبع آن، همکاری مترجم و ویراستار کاملاً محسوس است تا بدین گونه، متنی بدون خطاهای زبانی، ساختاری و محتوایی عرضه شود». این تجویز، حاصل بررسی تطبیقی نظریه نایدا و ویراستاری نیست، بلکه پیش از آن نیز لزوم چنین امری واضح بوده و برای اثبات اهمیت آشنایی مترجم با علم ویرایش، نه نیازی به استفاده از نظریه نایدا است و نه اصلاً چنین مطلبی از نظریه نایدا دریافت می‌شود.

همچنین در نتیجه آمده: «در ترجمه‌های قرآن، مانند هر ترجمه دیگری، نیاز مبرم به ویرایش است و در بسیاری از موارد، برابری مناسب‌تری می‌توان جایگزین کرد، یا در

۱ سوره بقره، آیه ۴۵

۲ سوره بقره، آیه ۲۲

برخی موارد، دست به حذف زد». این مطلب نیز از بدیهیات ترجمه است و نمی‌توان آن را حاصل مقایسه اصول ویرایش با نظریه نایدا به‌شمار آورد. نویسندگان به همین ترتیب مطالبی را در نتیجه قید کرده‌اند که هیچ‌یک خروجی این مقایسه و تطبیق به‌شمار نمی‌آیند و همگی از پیش روشن‌اند.

۳-۴. آشفتگی در تطبیق و مقایسه

در مقاله «پیوند ویرایش با سه عنصر ترجمه در نظریه نایدا» (۱۳۹۶) دسته‌بندی صورت گرفته دچار بی‌نظمی و آشفتگی است. این پژوهش سه حوزه افزایش، حذف و تغییر را به دو دسته ویرایشی و ترجمه‌ای تقسیم کرده، اما در کاربرد و بررسی مثال‌ها دچار آشفتگی شده و بررسی‌ها کاملاً از موضوع و چارچوب پژوهش خارج می‌شوند.

به عنوان مثال، در حوزه افزایش به افزایش ترجمه‌ای و ویرایشی اشاره شده و افزایش ویرایشی خود به دو دسته افزودن جمله توضیحی و افزودن علایم سجاوندی تقسیم شده است. در مثال افزایش جمله توضیحی در ویرایش آمده: توضیح و جمله توضیحی در متن، مثل این آیه می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَّادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾.^۱ در ترجمه فیض‌الإسلام آمده است: «و آنان چون اعتقاد و باور دارند که برای خود همکیشانان نفع و سود دنیا و آخرت دارد به فرود آمدن آن شاد می‌شوند» (مستعلی پارسا و دیگران، ۱۳۹۶). در این مثال مشخص نشده کدام افزوده از سوی ویراستار و کدام از سوی مترجم صورت گرفته است. با رجوع به ترجمه فیض‌الإسلام با این ترجمه مواجه می‌شویم: «کسانی که (به خدا و رسول) ایمان آورده و گرویده‌اند این سوره بر ایمانشان افزوده است و آنان (چون اعتقاد و باور دارند که برای خود و همکیشانان نفع و سود دنیا و آخرت دارد به فرود آمدن آن) شاد می‌شوند» (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۸). بنابراین، این مثال، نمونه‌ای از افزایش تفسیری در ترجمه است و ارتباطی به ویرایش ندارد.

افزایش در ترجمه قرآن را به دو دسته افزوده‌های تفسیری و افزایش نشانه‌گذاری تقسیم کرده است؛ به عنوان مثال، به ترجمه آیه زیر از اشاره کرده‌اند:

﴿لَيْتَلَّا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي...﴾: (ای مسلمانان) از مردم نترسید، تنها از (عدم اطاعت) من بترسید^۲، «... تا مردم، جز ظالمان (که دست از لجاجت بر نمی‌دارند)، دلیلی بر ضد شما نداشته باشند (زیرا از نشانه‌های پیامبر که در کتب آسمانی پیشین آمده، این است که او به سوی دو قبله، نماز می‌خواند)»^۳ (مستعلی پارسا و دیگران، ۱۳۹۶). سپس ترجمه‌ها را به شکل زیر ویرایش کرده‌اند که ارتباط آن با بررسی تطبیقی روشن نیست:

ویراسته مترجم: ۱- عدم طاعت = نافرمانی، ۲- ظالمان (که دست از لجاجت بر نمی‌دارند) = جز ظالمان «لججاجت/لجوج» و ۳- «زیرا از نشانه‌های پیامبر که در کتب آسمانی پیشین آمده، این است که او به سوی دو قبله نماز می‌خواند = زیرا از نشانه‌های پیامبر در کتب آسمانی پیشین، نماز به سوی دو قبله است» (همان: ۱۱).

آنگاه در توضیح افزایش نشانه‌گذاری به رعایت نشدن علائم سجاوندی از سوی مترجمان اشاره شده، مثال زیر مورد ویرایش قرار گرفته است:

﴿وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾^۴: «و خدای شما، خداوند یگانه‌ای است، که غیر از او معبودی نیست!...» (همان: ۲۴).
ویراسته ترجمه: «و خدای شما، خداوند یگانه‌ای است که غیر از او معبودی نیست...» (بدون کاما و نشان تعجب).

اگر افزایش نشانه‌گذاری، افزایشی در راستای بهبود ترجمه است، مثال بیان شده، مثال نقض خواهد بود؛ چون در ویرایش، علائم اضافه حذف شده‌اند و به جای افزایش، شاهد کاهش هستیم. در واقع این مثال باید در کاهش ویرایشی بیان می‌شد. نویسندگان تلاش کرده‌اند بین گزینه افزایش در تعادل پویای نایدا و افزایش ویرایشی پیوندی ایجاد کنند، اما مثال‌ها به کمک این فرضیه نیامده است.

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۰

۲. ترجمه صفارزاده

۳. ترجمه مکارم شیرازی

۴. سوره بقره، آیه ۱۶۳

۳-۵. فهم نادرست معنای تعادل صوری و پویا

بررسی مقاله «تطبیق ترجمه فولادوند و امید مجد با تکیه بر نظریه نایدا در سوره بقره» (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که برداشت نویسندگان از مفهوم معادل صوری و پویای نایدا اشتباه بوده است. این پژوهش، اثر امید مجد را جزء ترجمه‌های پویا و ترجمه فولادوند را تحت‌اللفظی و صوری به‌شمار می‌آورد. بر این اساس که ترجمه فولادوند کاملاً براساس ذات پیام متن اصلی صورت گرفته، اما ترجمه امید مجد در برخی موارد به خاطر وزن شعر و قافیه و ردیف و قالب شعری معانی تا حدی تغییر کرده است. این در حالی است که برخلاف آنچه در تعریف ترجمه صوری آمده است، ترجمه فولادوند تغییرات ساختار زیادی به نفع محتوا صورت داده است. ترجمه امید مجد را نیز به هیچ وجه نمی‌توان ترجمه پویا به‌شمار آورد. این ترجمه کاملاً در مقابل چیزی قرار دارد که نایدا آن را ترجمه پویا می‌نامد، زیرا در ترجمه پویا معنا بر سبک اولویت دارد و آنچه مهم است طبیعی بودن معادل و هم‌ارزی در واکنش مخاطب است (نایدا، ۱۹۶۹). این برخلاف چیزی است که در ترجمه منظوم اتفاق می‌افتد. همین که مترجم قالب نظم را برای ترجمه برمی‌گزیند، نشان می‌دهد که صورت را به محتوا ترجیح داده است. همچنین در ترجمه پویای نایدا تعدیلات، تغییرات و حذف و اضافه‌ها همگی در خدمت پیام اتفاق می‌افتند، در حالی که در ترجمه منظوم این تغییرات در خدمت وزن و قافیه صورت گرفته‌اند. نایدا در توضیح تعادل صوری می‌گوید که در این نوع ترجمه برای انتقال پیام، هم به شکل و هم به محتوا توجه می‌شود و نمونه آن ترجمه شعر به شعر، جمله به جمله و محتوا به محتوا است (Nida, 1964).

نویسنده با اشاره به ترجمه آیه ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَاُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾: «مگر کسانی که توبه کردند و (خود را) اصلاح نمودند و (حقیقت) را آشکار کردند، پس بر آنان خواهم بخشود و من توبه‌پذیر مهربانم» ترجمه فولادوند را ترجمه صوری دانسته و چنین استدلال کرده که مترجم ساختار زبان مبدأ را از لحاظ شیوه قرارگیری افعال و نقش‌های اصلی و فرعی و حتی معانی حروف رعایت کرده است و اگر موارد داخل گروه را بردایم، کاملاً ترجمه‌ای تحت‌اللفظی و یا به گفته یوجین نایدا ترجمه‌ای صوری؛ یعنی شکل به شکل است (خانلری و دیگران، ۱۳۹۸).

اتفاقاً این ترجمه، نمونه ترجمه پویاست و دلیل آن عبارات داخل کروشه است و نمی‌توان هنگام نقد از آن‌ها صرف‌نظر کرد. همچنین علت حفظ ساختار متن مبدأ، شباهت ساختاری زبان مبدأ و مقصد در این آیه است و گرنه اگر در آیه تفاوت ساختاری وجود داشته باشد، فولادوند زبان مقصد را اولویت قرار می‌دهد و از ترجمه تحت‌اللفظی اجتناب می‌کند. برای اثبات این امر می‌توان به چند نمونه از ترجمه‌های فولادوند در آیات مشابه اشاره کرد. مثلاً در سوره آل‌عمران که همین عبارات به شکلی دیگر آمده در ترجمه فولادوند شاهد جابه‌جایی هستیم:

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾: «مگر کسانی که پس از آن توبه کردند و درستکاری [پیشه] نمودند، که خداوند آمرزنده مهربان است».

همان‌طور که می‌بینیم در ترجمه، معادل فعل «تابوا» به انتهای جمله منتقل شده است. در سوره غافر نیز فعل طبق دستور زبان فارسی مؤخر شده است:

﴿فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ﴾: «کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده‌اند ببخش».

بنابراین ترجمه فولادوند ترجمه صوری نیست و ساختار زبان مقصد بر ساختار زبان مبدأ اولویت دارد و چند نمونه تشابه ترجمه با ساختار مبدأ دلیل بر صوری بودن ترجمه نمی‌شود. تا زمانی که ساختار زبان مقصد اجازه می‌دهد، مترجم ناچار به تغییر ساختار متن مبدأ نیست. به گفته وینی و داربلنه^۲، ترجمه تحت‌اللفظی را تنها باید به خاطر الزامات ساختاری و فرازبان‌شناختی و صرفاً پس از اطمینان کامل از حفظ معنا قربانی کرد (ماندی، ۱۳۸۹).

دلایلی که نویسنده برای پویا بودن ترجمه منظوم مجد می‌آورد نیز نادرستند. به گفته نویسنده، ترجمه امید مجد به علت اینکه ساختار ظاهری و نحوی را به هم ریخته و در ترجمه، یک فعل و یک جمله را چند فعلی و چند جمله‌ای ترجمه کرده و به معنی واژه‌های دیگر افزوده یا معانی غیراصلی آورده، ترجمه‌ای تفسیرگونه به شمار می‌آید (همان: ۴۱). در حالی

۱ سوره آل‌عمران، آیه ۸۹

۲ سوره غافر، آیه ۷

که علت تغییرات ترجمه مجدد، انتقال پیام (طبق تعادل پویای نایدا) نیست، بلکه علت آن حفظ وزن و قافیه است. انتخاب واژه‌ها و حذف و اضافه‌ها نیز همگی در همین راستا است و برخلاف آنچه نویسنده می‌گوید که «تفسیر و شرح واژه برای آن که معنی آن واژه در زبان مقصد بیشتر قابل فهم شود» (همان) به نظر می‌رسد افزوده‌ها برای پر کردن وزن شعر بوده است.

با بررسی سایر مثال‌های این مقاله روشن می‌شود که نویسنده، معادل صوری را با معادل دقیق و معادل پویا را با معادل غیردقیق اشتباه گرفته است. مثلاً در بررسی ترجمه آیه ۱۹۷ سوره بقره آورده است که امید مجدد در معنی واژگانی مانند «أشهر، رَفَتْ، التقوی» معنایی نزدیک به آن‌ها و یا معنایی غیر از معنی ظاهری آن‌ها به کار برده، اما معنی اصلی آن‌ها را نیاورده است، اما فولادوند کاملاً معنی هم‌راستای این واژگان را به کار برده است (همان: ۴۲). به تعبیر نویسنده، امید مجدد «به هر دلیلی» ساختار معنایی واژگان را حفظ نکرده است. این کاملاً خلاف آن چیزی است که در معادل پویای نایدا آمده است؛ زیرا در نظریه نایدا تغییرها بی‌دلیل صورت نمی‌گیرند، بلکه همگی در خدمت پیام و ارتباط مخاطبند، اما همانطور که قبلاً گفته شد انتخاب واژه‌ها در ترجمه منظوم تحت تأثیر وزن و قافیه قرار می‌گیرند.

بحث و نتیجه‌گیری

با وجود اینکه نظریات ترجمه می‌توانند به چارچوب‌بندی و علمی شدن نقدهای ترجمه کمک کنند، اما در برخی پژوهش‌های اخیر این غرض حاصل نشده و نظریه؛ جایگاه صحیح خود را در نقد ترجمه پیدا نکرده است.

بررسی پژوهش‌هایی که نظریه نایدا را مبنای نقد ترجمه قرآن قرار داده‌اند، نشان می‌دهد پژوهشگران با وجود انتخاب این نظریه در موارد بسیاری همچنان خارج از چارچوب این نظریه به نقد پرداخته‌اند. در مواردی شیوه نقد، تفاوتی با نقدهای سنتی گذشته نکرده و تنها نام نظریه بر عنوان پژوهش‌ها قید شده است و در مواردی به جای اینکه نظریه به نقد جهت دهد، نقد خود را بر نظریه تحمیل کرده است؛ یعنی پژوهشگر تلاش کرده نقد خود را به نحوی با نظریات نایدا مرتبط کند در حالی که امکان برقراری چنین ارتباطی به دلیل تفاوت مبنایی نقد و نظریه وجود ندارد.

- بررسی نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد کاربست نظریه نایدا در نقد ترجمه، تأثیر بسزایی نداشته و با حذف این چارچوب همچنان نتایج حاصله زیر به دست خواهد آمد:
- از میان پنج مقاله مورد بررسی، تنها یک پژوهش فهم درستی از تعادل پویای نایدا ارائه کرده، اما آن را مبنای نقد قرار نداده و تنها کاربست آن را در ترجمه قرآن مورد بررسی قرار داده است.
 - گاه نقد کاملاً خارج از چارچوب نظریه نایدا و براساس مبانی قدیمی نقد ترجمه‌های قرآن انجام شده است و حتی در مواردی بیان نقاط قوت و ضعف ترجمه کاملاً برخلاف دیدگاه نایدا صورت گرفته‌اند.
 - در مواردی تطبیق و مقایسه اشتباه صورت گرفته و باعث شده بررسی داده‌ها نیز دچار آشفتگی شوند. مثلاً در پژوهش تطبیق بین عناصر ترجمه نایدا و عناصر ویرایش به دلیل عدم تطابق بین آن‌ها، این مقایسه نیز نتوانسته نتیجه‌ای کاربردی ارائه کند و تحلیل داده‌ها به شکلی آشفته خارج از چارچوب صورت گرفته‌اند. نتیجه‌ای که از این پژوهش حاصل می‌شود، ضرورت همکاری مترجم و ویراستار است که عدم ارتباط آن با نظریه نایدا روشن است.
 - گاهی برداشت نادرست از مفهوم تعادل صوری و پویای نایدا باعث نقد اشتباه شده است. بررسی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ناقدان، نظریه نایدا و مثال‌های او را مورد مطالعه دقیق قرار نداده‌اند.
 - در مواردی تناسبی بین داده‌های تحقیق و چارچوب نظری وجود ندارد. به عنوان مثال، در مقاله بررسی ترجمه حال مؤکده، پژوهشگران برای بررسی ترجمه در سطح ساختار و بلاغت باید نظریه‌ای مرتبط با آن را مبنای کار قرار می‌دادند، نه هم‌ارزی پویای نایدا را که بر فرهنگ و بافت مقصد تأکید دارد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Ensiyeh Sadat Hashemi



<https://orcid.org/0000-0002-0127-2214>

منابع

- بیکر، مونا و سالدنیا، گابریئلا. (۱۳۹۶). *دایرةالمعارف مطالعات ترجمه*. ترجمه حمید کاشانیان. چ ۱. تهران: نشر نو.
- جنی، ویلیامز. (۱۳۹۶). *نظریه‌های ترجمه*. ترجمه بابک یزدانی فضل آبادی. چ ۱. تبریز: انتشارات زبان آکادمیک.
- حجت، هادی (۱۳۷۹). طبقه‌بندی نقدهای نوشته شده بر ترجمه‌های فارسی قرآن کریم. *ترجمان وحی*، ۴(۸)، ۷۲-۸۲.
- _____ (۱۳۷۸). *تاریخچه نقد ترجمه‌های فارسی قرآن کریم*. ترجمان وحی، ۶، ۴۹-۶۱.
- حقانی، نادر. (۱۳۹۸). *نظرها و نظریه‌های ترجمه*. چ ۲. تهران: امیرکبیر.
- حیدری، یدالله و سلیمان‌زاده نجفی، سید رضا. (۱۳۹۹). واکاوی جنبه‌های بلاغت حال مؤکد معنای عامل در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم با کاربست تئوری هم‌ارزی نایدا (مطالعه موردی ترجمه‌های فولادوند، خرمشاهی، حداد عادل). *مطالعات سبک‌شناسی قرآن کریم*، ۲(۲)، ۲۶-۴۵.
- خانلری، جواد، نامداری، ابراهیم و عذیری، احسان (۱۳۹۸). تطبیق ترجمه فولادوند و امید مجد با تکیه بر نظریه نایدا در سوره بقره. *پژوهش دینی*، ۳۹، ۳۱-۵۰.
- رضائی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۱). *منطق ترجمه قرآن*. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- صیادانی، علی و بازیار، رسول. (۱۳۹۴). *نقدی بر معروف‌ترین روش‌های ترجمه قرآن کریم (براساس جدیدترین تئوری‌های ترجمه و زبان‌شناسی)*. پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، دانشگاه لرستان، ۱(۲)، ۱-۱۷.
- فیروزآبادی، سید سعید و ابراهیمی، زهرا. (۱۳۹۵). بررسی چند ترجمه سوره ناس به زبان آلمانی براساس نظریه یوجین نایدا. *مطالعات ادبیات تطبیقی*، ۱۰(۳۷)، ۳۱-۵۵.
- فیض‌الاسلام، سید علی نقی. (۱۳۷۸). *ترجمه و تفسیر قرآن عظیم*. چ ۱. تهران: انتشارات فقیه.
- کریمی‌نیا، مرتضی. (۱۳۸۹). *ساخت‌های زبان فارسی و مسأله ترجمه قرآن*. چ ۱. تهران: هرمس.
- کوشا، محمدعلی. (۱۳۸۶). *ترجمه‌های ممتاز قرآن در ترازوی نقد*. چ ۱. تهران: کتاب مبین.
- گارسس، کارمن والرو. (۱۹۹۴). *پیشنهاد روش شناختی برای ارزیابی آثار ادبی ترجمه شده*. *بابل*، ۴۰، ۷۷-۱۰۱.
- ماندی، جرمی. (۱۳۸۹). *درآمدی بر مطالعات ترجمه، نظریه‌ها و کاربردها*. ترجمه الهه ستوده‌نیا و فریده حق‌بین. چ ۱. تهران: علم.

مستعلی پارسا، غلامرضا، قاسمی پُرشکوه، سعید و برزگر کلورزی، منصوره. (۱۳۹۶). پیوند ویرایش با سه عنصر ترجمه در نظریه نایدا (مورد پژوهی در ترجمه قرآن کریم). *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، ۵(۴)، ۱-۲۴.

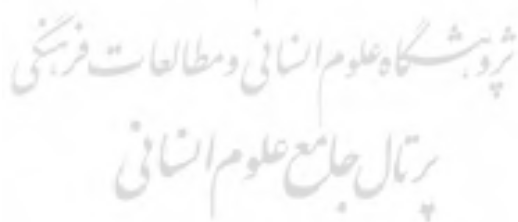
معرفت، محمدهادی (۱۳۸۱). تاریخ قرآن. ج ۴. تهران: سمت.

مؤسسه فرهنگی ترجمان وحی. (۱۳۹۴). *مجموعه مقالات فارسی ترجمه قرآن مجید*. ج ۱. قم: ترجمان وحی.

References

- Baker, M. & Saldenia, G. (2017). *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*. Translated By Hamid Kashanian. E 1. Tehran: Nashre no.
- Feizoleslam, A. (1999). *Translation and Interpretation of the Great Qur'an*. E1. Tehran: Faghih. [In Persian]
- Firouz Abadi, S., & Ebrahimi, Z. (2016). A Study on Naas Surah German Translations Based on Eugene Nida's Theory. *Comparative Literature Studies*, 10(37), 31-55. [In Persian]
- Garces, C. V. (1994). A Methodological Proposal for the Assessment of Translated Literary Works. *Babel*, 40, 77-101.
- Haghani, N. (2019). *Approaches and Theories of Translation*. E2. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Heidari, Y., & Soleimanzadeh Najafi, S.r. (2020). Investigating Aspects of the Rhetorical being of Emphasizing Manner of verb Meaning in the Persian Translation of the Quran Through the Appnnnnnnnff '""' ' Dynamic-equivalence Theory (Case study: Translations by Fooladvand, Khorramshahi, Haddad Adel). *Journal of Stylistics Studies of the Holy Quran*, 2(2), 26-45. [In Persian]
- Hojjat, H. (2000). Classification of Critiques Written on Persian Translations of the Holy Quran. *Tarjoman Wahy*, 4(8), 72-82. [In Persian]
- _____. (1999). History of Criticism of Persian Translations of the Holy Quran. *Trajoman Wahy*, 6, 49-61. [In Persian]
- Kariminia, M. (2010). *Persian Language Structures and the Issue of Quran translation*. E1. Tehran: Hermes. [In Persian]
- Khanlari, J., Namdari, E., & Ozeiri, E. (2019). A Comparison Of Fooladvand And Omid Majd's Translations Of Surah Al-Baqarah Based On Nida's Theory. *Pazhuhesh Dini*, 39, 31-50. [In Persian]
- Kusha, M. (2007). *Excellent Translations of the Qur'an on the Scales of Criticism*. E1. Tehran: Ketab Mobin. [In Persian]
- Marefat, M. (2002). *Quran History*. E4. Tehran: Samt. [In Persian]

- Mastali Parsa, Gh., Ghasemi Porshokoh, S., & Barzegar Kalourazi. M. (2018). The Relation between Editing and Three Elements in Nida's Translation Theory (the Case of Qur'anic Translations). *Literary-Qur'anic Researches*, 5(4), 1-24. [In Persian]
- Munday, J. (2010). *Introducing Translation Studies: Theories and Applications*. Translations by Sotoudehnama, E.& Haghbin, F. Tehran: Elm. [In Persian]
- Nida, E. A. (1964). *Toward a Science of Translating*. Leiden: E. J. Brill.
- Nida, Eugene A. & Charles R., T. (1969). *The Theory and Practice of Translation*. Leiden: E. J. Brill.
- Rezaee Isfahani, M. (2012). *The Logic of Translating the Quran*. Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center. [In Persian]
- Sayadani. A. & Bazayr, R. (2015). A Critique of the most Famous Methods of Translating the Holy Quran (based on the Latest Theories of Translation and Linguistics). *Journal of koranic Studies in Literature*, 2(1), 1-17. [In Persian]
- Tarjoman Wahy Cultural Institute. (2015). Collection of Persian Articles on the Translation of the Holy Quran. E1. Qom: Tarjoman Wahy. [In Persian]
- Williams, J. (2017). *Theories of Translation*. Translated by Babak Yazdani. Tabriz: Academic.



استناد به این مقاله: هاشمی، انسیه سادات. (۱۴۰۰). نقد و بررسی کاربرد نظریه نایدا در ارزیابی ترجمه‌های قرآن. *دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۱(۲۵)، ۲۸۵-۳۰۹. doi: 10.22054/RCTALL.2022.67806.1625



Translation Researches in the Arabic Language and Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.